

شاید وضعیت هیچ گونه در معرض انقراض در ایران به اندازه یوزپلنگ ایرانی بغرنج نباشد؛ گونه‌ای که به اذعان آمار رسمی، کمتر از ۲۰ قلاده از آن در طبیعت ایران وجود دارد



همان‌طور که بارها گفته شده پیروز در شرایط خاصی بزرگ شده بود. از نظر جسمی ضعیف بود، شیر مادر هم نخورده بود و از نظر تغذیه، مصرف شیرخشک چندان با او سازگاری نداشت. مقاومت کمی هم داشت. حتی تحت درمان دامپزشکی هم قرار داشت و بسیاری از مشکلات دیگری که در گزارش‌های مختلف هم مطرح شده بود؛ مشکلات خونی و عفونت‌هایی که داشت. همچنین درگیر نارسایی کلیه نیز شده بود. در حقیقت این مشکلات در وضعی که عارض شد، تأثیرگذار بود اما اینکه علت مرگ دقیقاً گزارش پاتولوژی باشیم

ژنی جمعیت‌ها به دلیل جزیره‌ای شدن هم کاهش پیدا کرد. مجموعه‌ای از این عوامل، یعنی قلمرو بزرگ گونه که نیاز به زیستگاه وسیع داشت، تکه تکه شدن زیستگاه، کمبود طعمه، حضور انسان در زیستگاه‌های بکر به واسطه فعالیت‌هایی مانند گردشگری، معدنکاری و... باعث شد عرصه روز به روز بر یوز ایرانی تنگ‌تر شود که در نتیجه باعث کاهش جدی جمعیت این حیوان شد. یوز ایرانی چه ویژگی خاصی دارد که سازمان حفاظت محیط زیست به سمت تکثیر این گونه و حفاظت از آن رفته است؟ هر گونه جانوری یک جایگاهی در طبیعت دارد که این مسأله از جنبه‌های مختلفی حائز اهمیت است. هم نگاه بیولوژیک و هم اکولوژیک به آن مترتب است. یعنی هر حیوانی یک نقشی را در طبیعت بازی می‌کند و اگر حذف شود، قاعدتاً یک بخشی از زنجیره طبیعت ناقص می‌شود و این حذف شدن‌ها بتدریج باعث می‌شود اکوسیستم به هم بریزد و نتواند کارکرد واقعی خود را داشته باشد.

اهمیت حفظ یوز در طبیعت

وقتی که گونه‌ای مانند یوزپلنگ باشد که چتر است و در بالای هرم غذایی قرار دارد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. از طرفی نگاه اخلاقی هم وجود دارد. به هر حال یوز گونه‌ای برجسته، زیبا و مورد توجه مردم است و آیندگان هم سهمی در دیدن این گونه دارند و ما حق نداریم آیندگان را از دیدن چنین موهبت زیبای خداوندی محروم کنیم، بنابراین، این نگاه اخلاقی هم وجود دارد. از نگاه مذهبی هم ما معتقدیم که خداوند حکیم است و وقتی گونه‌ای مانند یوز آفریده شده و این قدر در طبیعت کارکرد دارد، حتماً حذف این گونه آسیب‌های جدی به ما می‌زند و دلایل بسیار دیگر... بدین ترتیب مجموعه این دلایل باعث می‌شود که تلاش کنیم تا موجودات زنده‌ای که خداوند آفریده، اجازه ندهیم به دلیل فعالیت‌های انسانی حذف شوند. گاهی به شکل طبیعی در دوره‌های بلندمدت بعضی گونه‌ها حذف می‌شوند، مسائلی آتشفشان‌ها، یخبندان‌ها و... که در دوران‌های زمین‌شناسی اتفاق می‌افتد، اما این نوع حذف که به واسطه فعالیت‌های انسانی اتفاق می‌افتد، بسیار به محیط زیست آسیب می‌زند.

غیر از یوز ایرانی، برای حفاظت از گونه‌های دیگر هم فعالیت انجام شده است؟ بله. درباره یوز هم هنوز نیاز به توضیح است که عمده تمرکز ما در زیستگاه است. برای ایمن‌سازی جاده بشدت ورود کرده‌ایم و توافق‌های خوبی با وزارت راه و شهرسازی صورت گرفته است که آخرین مراحل اداری و تشریفات لازم برای شروع کار اجرایی را می‌گذرانند از جمله کاهش سرعت و نورپردازی جاده میامی-سبزوار. این‌ها اقدامات خوبی است که شروع شده است. در حوزه دام و مدیریت «چرا» هم بخشی از حقوق عرفی قبلاً خریداری شده و ما داریم تلاش می‌کنیم هم مقداری آژانس‌سازی پروانه‌های چرا را داشته باشیم و هم مهمتر از آن مسأله مدیریت سگ‌های گله و زمان ورود و خروج و ظرفیت دامی که وارد منطقه می‌شود. این‌ها مسائلی است که مورد توجه ما است. همچنین فرهنگ‌سازی در اطراف منطقه توران، امن کردن و طعمه‌دار کردن زیستگاه‌های جنوب، غرب و شرق توران. این‌ها نکاتی است که به آن پرداخته‌ایم و در قالب یک سری کمیته‌های اجرایی داریم پیگیری می‌کنیم که ان‌شاءالله بتوانیم در طبیعت از یوز ایرانی محافظت کنیم.

گونه‌های در معرض انقراض ایران

درباره گونه‌های دیگر هم وضعیت به همین شکل است؛ گونه‌هایی که مشکلات حادثی دارند، مانند پرندای به نام میش مرغ که بزرگترین پرنده ایران است و جمعیت کمی دارد، همین‌طور برای گوزن زرد ایرانی، پلنگ و خرس سیاه نیز برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفته که متناسب با شرایط این حیوانات برای احیا یا کاهش آسیب به گونه‌شان، دنبال می‌شود. اینکه برای هر کدام از این حیوانات چه اقداماتی صورت گرفته یا در حال انجام است، توضیحات مفصلی نیاز دارد.

خانه آورد و بعد تحویل محیط زیست داد یا مواردی که توله واقعاً از مادر جدا شده و ما از منازل افراد کشف می‌کنیم - در واقع توله‌هایی که از طبیعت جدا شده‌اند - سعی می‌کنیم که در مجموعه تکثیر یوز ایرانی، نگهداری و کمک کنیم که بقا پیدا کند. البته توصیه ما به مردم این است که اگر مواردی اینچنینی را که توله از مادر جدا افتاده، می‌بینند، بلافاصله به ما خبر بدهند. در هر صورت ما توله‌ها را از طبیعت جدا نمی‌کنیم. توله ایران، چطور شد که از دست رفت؟ شرایط پیروز چه بود؟ مشکل غذایی داشت؟

نتایج پاتولوژی پیروز همین روزها مشخص می‌شود. آخرین آزمایشات سم‌شناسی هم انجام شده و باید نتیجه آن بیاید. آن نتیجه به ما قطعی می‌گوید که چه اتفاقاتی افتاد. اما به نظر می‌آید، همان‌طور که بارها گفته شده پیروز در شرایط خاصی بزرگ شده بود. از نظر جسمی ضعیف بود، شیر مادر هم نخورده بود و از نظر تغذیه، مصرف شیرخشک چندان با او سازگاری نداشت. مقاومت کمی هم داشت. حتی تحت درمان دامپزشکی هم قرار داشت و بسیاری از مشکلات دیگری که در گزارش‌های مختلف هم مطرح شده بود؛ مشکلات خونی و عفونت‌هایی که داشت. همچنین درگیر نارسایی کلیه نیز شده بود. در حقیقت این مشکلات در وضعی که عارض شد، تأثیرگذار بود اما اینکه علت مرگ دقیقاً چه بوده، باید منتظر گزارش پاتولوژی باشیم.

ضرورت همکاری مردم و مسئولان برای نجات یوز

روال فعالیت در مرکز تکثیر یوز ایرانی چطور است؟ در این زمینه چطور تلاش می‌کنید؟ آیا به‌صورت مستمر به زیستگاه‌ها می‌روید؟ در مواردی که مثلاً یک دامدار دو توله یوز را که از مادر جدا افتاده بودند، همراه خود به

روال فعالیت در مرکز تکثیر یوز ایرانی چطور است؟ در این زمینه چطور تلاش می‌کنید؟ آیا به‌صورت مستمر به زیستگاه‌ها می‌روید؟ در مواردی که مثلاً یک دامدار دو توله یوز را که از مادر جدا افتاده بودند، همراه خود به

وضعیت این گونه جانوری در کشور چطور است؟ بیشتر در چه مناطقی زندگی می‌کند؟ زیستگاه این حیوان اکنون در منطقه توران در استان سمنان به‌عنوان زیستگاه مرکزی آن است. مناطق اطراف توران در شمال تا میاندشت در خراسان شمالی و بخش‌هایی از غرب خراسان رضوی به‌عنوان زیستگاه این حیوان باقی مانده است یعنی در دیگر مناطق، بخصوص مناطق مرکزی کشور طی دهه‌های گذشته این گونه حذف شده است. در مرکز و شرق ایران دیگر این گونه زندگی نمی‌کند.

روال فعالیت در مرکز تکثیر یوز ایرانی چطور است؟ در این زمینه چطور تلاش می‌کنید؟ آیا به‌صورت مستمر به زیستگاه‌ها می‌روید؟ در مواردی که مثلاً یک دامدار دو توله یوز را که از مادر جدا افتاده بودند، همراه خود به



آسیب کمتری به این حیوان وارد می‌شود. بنابراین همین نکات، هم بحث جاده، هم بحث دام و هم مدیریت چرای دام از جمله مهم‌ترین موضوعاتی هستند که می‌تواند خیلی به ما کمک کند. البته حفظ طعمه‌های این گونه و کاهش شکار بی‌رویه که متأسفانه در اطراف توران وجود دارد، می‌تواند کمک‌کننده باشد.

باتوجه به این سطح از فعالیت و اطلاع‌رسانی که در حوزه حفاظت از محیط زیست و این گونه کمیاب داریم، هنوز هم شما با مسأله شکار این گونه مواجه هستید؟

شکار یوز نه، مسأله ما شکار طعمه‌ها و غذای یوز است. وقتی کل، بز، میش و آهو شکار می‌شوند، یوز مجبور می‌شود مسافت‌های بیشتری را برای پیدا کردن جایه جا شود که این امر به حیوان آسیب می‌زند. همین‌طور با توجه به اینکه غذای شتر و جیر که طعمه یوز است، مشترک‌اند، با چرای بی‌رویه شتر، جمعیت جیرها کم می‌شود که این امر هم بر زندگی یوز تأثیر می‌گذارد.

دو توله‌ای که به تازگی نگهداری می‌کنید، از چه طریقی پیدا شدند و الان در چه وضعیتی هستند؟

یک دامداری آنها را می‌گیرد و به گفته خود این دامدار، آنها را چند ساعتی زیر نظر می‌گیرد چون مادر سراغ این توله‌ها را نمی‌گیرد، گونه‌ها را به محل دامداری خود می‌برد و به همکاران محیط زیست اطلاع می‌دهد. همکاران ما تلاش کردند که توله‌ها را به محل زنده‌گیری، بازگردانند و مدتی در فاصله مناسبی هم کمین زدند.

قصه یوزهای سمنانی

بدین ترتیب چون یوز مادر برنگشت، مجبور شدند توله‌ها را به سمنان ببرند. مدتی در اداره کل سمنان نگهداری شدند ولی چون خیلی کوچک بودند باید تغذیه دستی با شیرخشک می‌شدند. اگرچه از نظر سنی ۱۴ یا ۱۵ روز بیشتر نداشتند، اما خوشبختانه چون از نظر جسمی وضعیت مناسبی داشتند و شیر مادر خورده بودند، نسبت به پیروز سازگاری نسبتاً مناسب‌تری با شیرخشک نشان دادند. در اولین فرصت گاو شکاری را شروع کردیم که خوشبختانه



بخش زیادی از تلفات یوز در جاده‌ها است. اگر راننده‌ها و مردم عبوری، مخصوصاً فاصله بین میامی تا سبزوار را دقت کنند و هنگام شب وقتی از این مسیر عبور کنند، سرعت‌شان از ۸۰ کیلومتر در ساعت بیشتر نشود تا اگر متوجه حیوانی شدند، بتوانند سرعت را کاهش دهند، همین امر خود تلفات این گونه را کاهش می‌دهد

رشد خوبی هم داشته‌اند. بعد از این که گاو شکاری آنان کامل شد، واکسن‌هایی باید دریافت می‌کردند که به سایت تکثیر توران منتقل شدند. خوشبختانه تا الان هم وضعیت خوبی داشتند و ان‌شاءالله در ادامه هم خوب باشند.

بیماری‌ای که پیروز دچارش بود، اینها نداشته‌اند؟

به لحاظ جسمی از همان ابتدا خیلی وضعیت بهتری نسبت به پیروز داشتند. چقدر امید دارید که بشود این توله‌ها را تکثیر داد؟

نمی‌دانم. بهتر است اصلاً به این موضوع نپردازیم و به مردم امید ندهیم. الان وضعیت‌شان خوب است. ان‌شاءالله که در آینده هم وضعیت‌شان پایدار بماند.

در این بازه زمانی گونه‌های دیگری هم از یوز ایرانی پیدا شده است؟ دیگر موردی از یوز که نیاز بشود در اسارت نگهداری کنیم، نداشته‌ایم ولی یوزهایی که در طبیعت داریم، در حال حفاظت از آنها هستیم.

به نظر شما با توجه به اقدامات سازمان حفاظت محیط زیست برای محافظت از این گونه و گونه‌های کمیاب دیگر، وضعیت یوز ایرانی را چطور می‌دانید؟ آیا اقدامات سازمان حفاظت محیط زیست می‌تواند در ماندگاری این گونه جانوری مؤثر باشد؟

در مورد یوز این نکته را باید بگویم که جمعیت پایه گونه خیلی ضعیف است. جمعیت یوز در طبیعت مان، نهایتاً به ۲۰ قلاده نمی‌رسد که از نظر زیست‌شناسی و دانش بوم‌شناسی عدد بسیار ضعیفی است و قابل اتکا نیست اما خوشبختانه با اقداماتی که در دو یا سه سال گذشته صورت گرفته، پویایی جمعیت و زادآوری در یوز ایرانی اتفاق افتاده که ما را برای حفاظت از این گونه امیدوار کرده است. با این حال حفاظت از یوز ایرانی به میزان همکاری مردم و دستگاه‌های متولی مدیریت چرای دام، متولیان توسعه معادن و توسعه جاده‌ها بستگی دارد. با همکاری مردم و این متولیان بسیار امیدواریم که یوز ایرانی را از انقراض نجات دهیم. البته با توجه به جمعیت کمی که از یوز ایرانی باقی مانده، کار سخت و سنگینی است.